**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**کتاب نکاح**

**جلسه51 – 6/ 12/ 1396 آیه 229 سوره بقره /آیات عدّه در قرآن /کتاب العدد**

خلاصه:

استاد گرامی در جلسه گذشته بحث فامساک بمعروف را در تفاسیر و روایات تاریخی بررسی و موارد تمسک به آیه 229 را در مسائل فقهی ذکر کردند. ایشان در این جلسه به بررسی کلمه معروف در آیات دیگر می‌پردازند و درباره معانی گفته شده برای معروف بحث می‌کنند.

**بحث درباره معنای خود آیه شریفه**

در مورد استدلالات علما به آیه فامساکٌ بمعروف أو تسریحٌ باحسان که مؤثر در فهم این آیات هم هست می‌خواستیم صحبت کنیم. در جلسه قبل برخی از مواردی را که در کتب فقها به این آیه شریفه استدلال شده است ذکر کردیم. قبل از این‌که بحث را شروع کنم نکاتی را تذکر می‌دهم. اولاً در موارد مختلف این بحث روایت‌ها و بحث‌های خاصی وجود دارد که اصلاً وارد آن‌ها نمی‌شویم و فروعاتی که مربوط به آیه و نحوه استفاده از آیه است را می‌خواهیم طرح کنیم. نکته دومی که نتیجه نکته اول است این است که بعضی نکاتی که احیاناً با توجه به روایت‌های خاص در مورد تفسیر آیه وجود دارد را نیز نمی‌خواهیم بحث کنیم.

به عنوان مثال در جایی که کسی دو خواهر را گرفته و معلوم نیست کدام زودتر است، بعضی گفته‌اند مرد ملزم است که هر دو را طلاق دهد. اگرچه نفقه آن‌ها را هم پرداخت کرده باشد یا به هر دو نفقه دهد یا به صورت کلی نفقه‌ای را وسط گذاشته باشد که تملیک زوجه واقعی کند، از جهت نفقه مشکلی نیست، بلکه مشکل این است که مرد قادر نیست استمتاعاتی که هر چهار ماه یک بار زن نسبت به شوهر حق دارد یا حق مضاجعه هر چهار شب یک بار به نحو مطلق یا در صورتی که نسبت به یکی از همسران حق قسم را انجام داد باید برای دیگران هم آن را رعایت کند، انجام دهد.

آیا عدم امکان استیفای این حقوق خاص زوجیّت باعث می‌شود که مرد ملزم به طلاق شود یا اگر نخواست طلاق دهد حاکم شرع ولایةً آن زن را طلاق دهد یا باعث نمی‌شود؟ مرحوم آقای خویی می‌فرماید که نمی‌شود. ایشان می‌فرماید مراد از امساک بمعروف خصوص نفقه است نه به سبب این‌که روایت خاصی وجود داشته باشد که امساک بمعروف را خصوص نفقه معنا کرده باشد. البته بعضی روایات را داریم ولی فرمایش آقای خویی به اعتماد آن روایات نیست. روایاتی که داریم روایت ابوالقاسم

فارسی است که گفته کف الاذی و اجباء النفقه و به نفقه مربوط دانسته است که از جهت سندی معتبر نیست زیرا در تفسیر عیاشی وارد شده و مرسل است و ابوالقاسم فارسی هم ناشناخته است. آقای خویی عمدتاً به خاطر بعضی روایات دیگر که گفته‌اند به خاطر این‌که مرد نمی‌تواند مباشرت با زن کند حق طلاق نمی‌آید، استدلال به آن مطلب را خواسته‌اند تمام کنند. حاج آقا هم در ذیلش بحث کرده‌اند که این استدلال تام است یا نه.

ما نمی‌خواهیم وارد این بحث‌ها هم شویم. روایاتی که می‌خواهد مستقیماً حکم فقهی مسئله را بیان و

آیه را تفسیر کند اشکال ندارد ولی روایتی که تک تک آن حکم‌های فقهی را بخواهد بیان کند دیگر وارد بحث آن نمی‌شویم. ما می‌خواهیم خود آیه شریفه را بیان کنیم و اگر روایتی بخواهد دقیقاً خود آیه را تفسیر کند، در مرحله روایات مفسره بحث می‌کنیم.

**قدرت بر ادای حقوق زوجیت و عدم آن**

در مورد آیه شریفه امساک بمعروف دو فرع کلی داریم. بحث اول این است که اگر مرد قادر است حقوق زوجیّت را رعایت کند ولی رعایت نمی‌کند، آیا موظّف است که زن را طلاق دهد یا خیر؟ به نظر می‌رسد با توجه به تفسیری از آیه که نهایتاً به آن رسیدیم که امساک بمعروف أو تسریح باحسان مربوط به زن شوهردار است و اگر مرد امساک بمعروف نکند باید تسریح باحسان کند و تسریح باحسان را مطلق طلاق دانستیم - البته نهایتاً گفتیم که مدلول مطابقی‌اش طلاق سوم است ولی مدلول تفهیمی‌اش معنای عامی است و در مورد مطلق زن شوهردار است - در این مورد ملزم به طلاق است.

روایت عمر بن حنظله که در فقیه[[1]](#footnote-1) و تهذیب[[2]](#footnote-2) آمده را قبلاً خواندیم و خلاصه‌اش این است که انکار کرده و گفته این زن همسر او نیست و حکم ظاهری شرعی هم طبق آن بوده است، می‌فرمایند بینه و بین الله باید این زن را طلاق دهد: لَا تَحِلُّ لِلْأَوَّلِ فِیمَا بَیْنَهُ وَ بَیْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا أَنْ یُطَلِّقَهَا لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَی یَقُولُ- فَإِمْساکٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِیحٌ بِإِحْسانٍ فَإِنْ لَمْ یَفْعَلْ فَإِنَّهُ مَأْثُومٌ فِیمَا بَیْنَهُ وَ بَیْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. چون نمی‌خواهد امساک بمعروف کند باید تسریح باحسان کند. این امساک بمعروف جایی است که مقدور او هم هست و واقعاً زنش است و می‌تواند حقوقش را رعایت کند ولی به خاطر معصیتی که انجام داده حقوق زوجیت را رعایت نمی‌کند، این‌جا واجب است که او را طلاق دهد.

این شاید خیلی مسئله‌ای نباشد. عمده مسئله در جایی است که مرد قادر نیست حقوق زن را رعایت کند. مثلاً مرد توان پرداخت نفقه را که از حقوق زن است ندارد. به خاطر عنین بودن قادر نیست مباشرتی را که چهار ماه یک بار حق زن است انجام دهد. یا در همین بحث به دلیل این‌که زنش مشخص نیست که کیست نمی‌تواند با او مباشرت کند چه به خاطر عذری که در مرد وجود دارد و چه به علت عدم شناسایی زن.

**معروف در آیات قرآن**

معنای کلمه امساک روشن است یعنی همسر را نگاه داشتن و زندگی کردن. اما بمعروف آن مهم است. کلمه معروف در آیات قرآن خیلی زیاد به کار رفته است. معروف اسم مفعول از کلمه عرف به معنای شناخته شده است. ممکن است معروف در بعضی آیات قرآن معنای خاصی داشته باشد که ربطی به ما

نحن فیه نداشته باشد. مثلاً در ﴿قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَ مَغْفِرَةٌ خَیْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ یَتْبَعُها أَذیً﴾[[3]](#footnote-3) ممکن است معنای معروف این باشد که اگر وقتی سائلی از انسان سؤال کند، جمله معروف در مقام عذرخواهی به کار رود، بهتر از این است که صدقه بدهد و بعد او را اذیت کند. معروف ممکن است به معنای معهود باشد. ظاهراً در آیه امساکٌ بمعروف معروف به معنای معهود نیست چون روش معهود و شناخته شده خاصی در این‌جا وجود ندارد تا این‌جا معروف به معنای معهود باشد.

آیات دیگری هم هست و مثلاً در بحث امر به معروف و نهی از منکر مراد معروف عند الشرع و منکر عند الشرع است. در نهایت به این‌جا برمی‌گردد که امر به معروف یعنی امر به واجبات و نهی از منکر یعنی نهی از محرمات. آیا در ما نحن فیه هم الزاماً امساک بمعروف به این معناست یا نمی‌توان از آیات امر به معروف بر ما نحن فیه شاهد آورد؟ در ما نحن فیه چند جور می‌شود بحث را دنبال کرد: یکی این‌که خود آیه را در نظر بگیریم و ببینیم معنای کلمه معروف چیست، دیگر این‌که آیاتی که از جهت مضمونی شبیه این آیه است را در نظر بگیریم مثل آیه سوره طلاق: ﴿فَإِذا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِکُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ﴾[[4]](#footnote-4) یا آیه ﴿عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾[[5]](#footnote-5) یا آیاتی که قبل و بعد از این آیه هستند را بررسی کنیم زیرا این آیه در مجموعه آیاتی وجود دارد که چند بار کلمه معروف در آن به کار رفته است. آیه مورد بحث ما 229 سوره بقره است، از آیه 228 سوره بقره کلمه معروف به کار رفته و در آیات پشت سر هم این کلمه معروف ذکر شده است.

﴿وَ الْمُطَلَّقاتُ یَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلاثَةَ قُرُوءٍ وَ لا یَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ یَکْتُمْنَ ما خَلَقَ اللَّهُ فی‏ أَرْحامِهِنَّ إِنْ کُنَّ یُؤْمِنَّ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ وَ بُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فی‏ ذلِکَ إِنْ أَرادُوا إِصْلاحاً وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذی عَلَیْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ این‌جا بالمعروف به چه معناست؟ ﴿وَ لِلرِّجالِ عَلَیْهِنَّ دَرَجَةٌ وَ اللَّهُ عَزیزٌ حَکیمٌ﴾[[6]](#footnote-6) بعد ﴿الطَّلاقُ مَرَّتانِ فَإِمْساکٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْریحٌ بِإِحْسانٍ﴾[[7]](#footnote-7) که همین آیه مورد بحث ماست، سپس آیات می‌آید تا در همین سیاق ﴿وَ إِذا طَلَّقْتُمُ النِّساءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِکُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ﴾ است که بمعروف این‌جا جمع بین هر دو جهت را دارد و هم از جهت مضمونی مشابه است و هم در سیاق این آیات به کار رفته است ﴿وَ لا تُمْسِکُوهُنَّ ضِراراً لِتَعْتَدُوا وَ مَنْ یَفْعَلْ ذلِکَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ﴾.[[8]](#footnote-8)

بعد در آیه 232 هم هست: ﴿وَ إِذا طَلَّقْتُمُ النِّساءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ یَنْکِحْنَ أَزْواجَهُنَّ إِذا تَراضَوْا بَیْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذلِکَ یُوعَظُ بِهِ مَنْ کانَ مِنْکُمْ یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ ذلِکُمْ أَزْکی‏ لَکُمْ وَ أَطْهَرُ وَ

اللَّهُ یَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ﴾

سپس می‌فرماید: ﴿وَ الْوالِداتُ یُرْضِعْنَ أَوْلادَهُنَّ حَوْلَیْنِ کامِلَیْنِ لِمَنْ أَرادَ أَنْ یُتِمَّ الرَّضاعَةَ وَ عَلَی الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ کِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لا تُکَلَّفُ نَفْسٌ إِلاَّ وُسْعَها لا تُضَارَّ والِدَةٌ بِوَلَدِها وَ لا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَ عَلَی الْوارِثِ مِثْلُ ذلِکَ فَإِنْ أَرادا فِصالاً عَنْ تَراضٍ مِنْهُما وَ تَشاوُرٍ فَلا جُناحَ عَلَیْهِما وَ إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلادَکُمْ فَلا جُناحَ عَلَیْکُمْ إِذا سَلَّمْتُمْ ما آتَیْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِما تَعْمَلُونَ بَصیرٌ﴾

آیات 234 تا 236 چنین است: ﴿وَ الَّذینَ یُتَوَفَّوْنَ مِنْکُمْ وَ یَذَرُونَ أَزْواجاً یَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً فَإِذا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلا جُناحَ عَلَیْکُمْ فیما فَعَلْنَ فی‏ أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبیرٌ وَ لا جُناحَ عَلَیْکُمْ فیما عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّساءِ أَوْ أَکْنَنْتُمْ فی‏ أَنْفُسِکُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّکُمْ سَتَذْکُرُونَهُنَّ وَ لکِنْ لا تُواعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلاَّ أَنْ تَقُولُوا قَوْلاً مَعْرُوفاً وَ لا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّکاحِ حَتَّی یَبْلُغَ الْکِتابُ أَجَلَهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یَعْلَمُ ما فی‏ أَنْفُسِکُمْ فَاحْذَرُوهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلیمٌ لا جُناحَ عَلَیْکُمْ إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّساءَ ما لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَریضَةً وَ مَتِّعُوهُنَّ عَلَی الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَ عَلَی الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتاعاً بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَی الْمُحْسِنینَ﴾[[9]](#footnote-9)

کلمه معروف در آیه 236 نیز به کار رفته است.

آیه 240 هم باز دارد و در همین فضا است: ﴿وَ الَّذینَ یُتَوَفَّوْنَ مِنْکُمْ وَ یَذَرُونَ أَزْواجاً وَصِیَّةً لِأَزْواجِهِمْ مَتاعاً إِلَی الْحَوْلِ غَیْرَ إِخْراجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلا جُناحَ عَلَیْکُمْ فی‏ ما فَعَلْنَ فی‏ أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَ اللَّهُ عَزیزٌ حَکیمٌ﴾[[10]](#footnote-10)

آیه 241 نیز چنین است: ﴿وَ لِلْمُطَلَّقاتِ مَتاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَی الْمُتَّقینَ﴾[[11]](#footnote-11)

**بررسی معنای معروف**

از آیه 228 تا آیه 241 کلمه بالمعروف و معروف به کار رفته است. باید به مجموع موارد دقت کنیم و ببینیم با توجه به این مجموعه، کلمه فامساکٌ بمعروف به چه معنا می‌تواند باشد. آن‌چه ابتدائاً در مورد امساک بمعروف به نظر می‌رسد این است که بمعروف یعنی بمعروف شرعی و امساکٌ بمعروف یعنی امساک با حفظ حقوق شرعی زن یعنی حقوقی که خداوند تبارک و تعالی برای زن به گردن مرد گذاشته است. اگر بگوییم مراد حقوقی است که وضعاً به گردن مرد است، در حقوق وضعی قدرت شرط نیست. اگر مراد این باشد که امساکٌ بمعروف یعنی با ادای حقوقی که شرع مقدس برای زن قرار داده است، چه

قادر به پرداخت نفقه باشید چه نباشید، امساک بمعروف یعنی دادن نفقه زن و بنابراین کسی که دادن نفقه برایش مقدور نیست گویا امساک بمعروف نکرده است. جور دیگر این است که بگوییم معروف یعنی حقوقی که شرعاً واجب است ادا شود. امساک بمعروف یعنی زن را نگه دارد و حقوقی که بالفعل به گردن او واجب است را ادا کند. بنابراین مردی که قادر نیست به زن خود نفقه دهد امساک بمعروف کرده است چون نفقه دادن الآن واجب بالفعل نیست. اگر مرد پول دارد و نمی‌خواهد بدهد امساک بمعروف نکرده است. تصور می‌کنم آن‌چه ابتدائاً از به معروف به ذهن می‌رسد معنای دوم است نه معنای اول.

**چند تعریف از معروف**

عبارتی را از طبری می‌خوانم. رسم طبری این است که اول خودش معنا می‌کند بعد کلمات مفسران و قدما را می‌آورد. او بمعروف را این طور معنا می‌کند: بِمَعْرُوفٍ یقول: بما أمرک الله به من الإمساک و ذلک بإعطائها الحقوق التی أوجبها الله علیه لها من النفقة و الکسوة و المسکن.[[12]](#footnote-12) ظاهراً مراد از اوجبه الله، اوجبه الله تکلیفی است نه وضعی یعنی تکلیفاً موظف هستم که آن‌ها را انجام دهم. البته جایی دیگر طبری عبارتی دارد که با این‌جا منافاتی ندارد، می‌گوید: المعروف کل ما امر الله به أو ندب الیه من اعمال البر و الخیر[[13]](#footnote-13) و أو ندب الیه را هم اضافه کرده است. اصل کلمه معروف به معنای چیزی است که در شرع شناخته شده است. آن‌چه در شرع شناخته شده گاهی در مقام بیان حقوق الزامی است. جایی که جنبه‌های حقوقی مطرح است، چیزهایی مراد است که در شرع به عنوان حقوق شخص و امور لازم المراعات شناخته شده است و امساک بمعروف به این معنا است.

معنای امساک به معروف چنان‌که از لحن آیه پیداست و همه هم همین جور معنا می‌کنند این است که واجب است بر مرد که یا امساک بمعروف کند یا تسریح باحسان. مشخص است که اگر مرد حقوق مستحبی زن را مراعات نکند لازم نیست طلاقش دهد. در این آیه شریفه حتماً مراد از معروف حقوق واجب است ولی مثلاً در ﴿قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَ مَغْفِرَةٌ خَیْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ یَتْبَعُها أَذیً﴾ ممکن است مراد از معروف قولی باشد که شارع مقدس آن را واجب یا مستحب کرده است یعنی چیزی که مطلوب شرعی است اعم از مطلوب واجب یا مستحب. بعضی جاها معروف معروف شرعی است ولی اعم از معروف استحبابی و وجوبی است. در مفاتیح الاسرار آمده است: معنی المعروف فی کل القرآن ما یعرف فی الشرع من الجمیل و حسن المعاشرة. آن‌چه در شرع شناخته شده اعم از واجب و مستحب است ولی در ما نحن فیه اگر هم می‌گوییم معروف عند الشرع است یعنی معروف واجب است همان طور که امر به معروف به همین معنا است و امر به معروف امر به مستحبات نیست با توجه به این‌که کلمه امر به معنای الزام است

و به چیزی که مستحب است نمی‌شود امر به معنای الزام کرد.

در ما نحن فیه تردیدی نیست که مراد مطلق معروف نیست و نوعی الزام در آن خوابیده است ولی احتمالات دیگری در مورد امساک بمعروف ممکن است باشد. احتمالات را طرح می‌کنم و بعد در موردش صحبت می‌کنیم. یک احتمال این است که امساک بمعروف یعنی روشی که عرف متعارف عمل می‌کنند و المعروف عند العرف و عند العقلا. یعنی رعایت کردن حقوق عقلایی‌ای که لازم می‌دانند. معروف یعنی ما یعرفه الناس. آیا یعرفه الناس در جمیع زمان‌ها یا در هر زمانی؟ آیا عاشروهن بالمعروف یعنی روشی که در هر عصری معروف است یا روشی که کلاً عقلا لازم می‌دانند؟ عقلا اذیت زن را جایز نمی دانند، بعضی نفقه را به طور کلی لازم می‌دانند و فی الجمله حقوق نسبت به زوجیت. اما اگر در عصر خاصی حقوق ویژه‌ای در مورد زن وجود داشته باشد، ممکن است عاشروهنّ بالمعروف آن را نگیرد.

قرطبی در الجامع لاحکام القرآن ذیل فامسکوهنّ بمعروفٍ می‌گوید: الإمساک بالمعروف هو القیام بما یجب لها من حق علی زوجها. این ابتدا شبیه همین معنایی است که ما مطرح کردیم ولی ادامه‌ای دارد که بحث را به زاویه دید دیگری می‌برد، می‌گوید: و لذلک قال جماعة من العلماء: إن من الإمساک بالمعروف أن الزوج إذا لم یجد ما ینفق علی الزوجة أن یطلقها، فإن لم یفعل خرج عن حد المعروف، فیطلق علیه الحاکم من أجل الضرر اللاحق لها من بقائها عند من لا یقدر علی نفقتها، و الجوع لا صبر علیه گرسنگی چیزی است که نمی‌شود بر آن صبر کرد بنابراین اگر مرد چیزی ندارد که به زن بدهد و زن گرسنه می‌ماند حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد و بهذا قال مالک و الشافعی و أحمد و إسحاق و أبو ثور و أبو عبید و یحیی القطان و عبد الرحمن ابن مهدی و قاله من الصحابة عمر و علی و أبو هریرة و من التابعین سعید بن المسیب و قال: إن ذلک سنة. ظاهراً مراد از سنت این است که پیغمبر این را قرار داده و به معنای واجب است نه مستحب. و رواه أبو هریرة عن النبی صلی الله علیه و سلم. و قالت طائفة: لا یفرق بینهما و یلزمها الصبر علیه و تتعلق النفقة بذمته بحکم الحاکم و هذا قول عطاء و الزهری و إلیه ذهب الکوفیون و الثوری و بعد وارد استدلال می‌شود.[[14]](#footnote-14)

فکر می‌کنم این‌ها از خود آیه بمعروفٍ این‌ها را درنیاورده‌اند بلکه اصل فتوا را مسلم گرفته‌اند و بعد از مسلم گرفتن به آیه تطبیق کرده اند و الا اگر امساک بمعروف قیام بما یجب لها من حقٍّ علی زوجها باشد وقتی مرد قادر نیست به زن نفقه دهد، قیام بما یجب لها کرده است و آن وقت چرا باید طلاق دهد؟ بله اگر دلیل دیگری داشته باشیم که خود طلاق دادن واجب است، خود این جزء امساک بمعروف می‌شود که باید طلاقش دهد و الا با این نمی‌توانیم وجوب طلاق را اثبات کنیم. امساک بمعروف را هم

به این معنا گرفته که تمام وظایفی که به گردن من هست ولو اعم از وظایفی که نسبت به آن زن وقتی زن من است دارم یا وظیفه‌ای که نسبت به آن زن ولو این‌که طلاقش دهم دارم. بعد از این‌که مسلم دانستند که باید طلاقش دهند، این را به آیه چسبانده‌اند و الا این صدر و ذیل را نمی‌شود درست کرد. دیدم حاج آقا یکی دو جا بحث کرده‌اند، به نظرم مبانی‌ای که گفته شده متفاوت است. چند جای نکاح هست و باید ببینیم می‌توانیم این‌ها را هماهنگ کنیم.

**و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین**

محققین گرامی می‌توانند همه روزه دروس استاد (حفظه الله) را در کانال‌های ذیل پیگیری نمایند.

(فقه) https://telegram.me/mjshobeiri

(اصول الفقه) https://telegram.me/mjshobeiri2

محققین گرامی؛ شما می­توانید انتقادات و پیشنهادهای خود نسبت به دروس روزانه را با شماره 09123519358 در میان بگذارید.

1. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج3، ص85. ح 3384: رُوِيَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَالَ لآِخَرَ اخْطُبْ لِي فُلَانَةَ فَمَا فَعَلْتَ شَيْئاً مِمَّا قَاوَلْتَ مِنْ صَدَاقٍ أَوْ ضَمِنْتَ مِنْ شَيْ‏ءٍ أَوْ شَرَطْتَ فَذَلِكَ لِي رِضًا وَ هُوَ لَازِمٌ لِي وَ لَمْ يُشْهِدْ عَلَى ذَلِكَ فَذَهَبَ فَخَطَبَ لَهُ وَ بَذَلَ عَنْهُ الصَّدَاقَ وَ غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا طَالَبُوهُ وَ سَأَلُوهُ فَلَمَّا رَجَعَ أَنْكَرَ ذَلِكَ كُلَّهُ قَالَ يُغَرَّمُ لَهَا نِصْفَ الصَّدَاقِ عَنْهُ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ هُوَ الَّذِي ضَيَّعَ حَقَّهَا فَلَمَّا لَمْ يُشْهِدْ لَهَا عَلَيْهِ بِذَلِكَ الَّذِي قَالَ لَهُ حَلَّ لَهَا أَنْ تَتَزَوَّجَ وَ لَا تَحِلُّ لِلْأَوَّلِ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا أَنْ يُطَلِّقَهَا لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ- فَإِمْساكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسانٍ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَإِنَّهُ مَأْثُومٌ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَانَ الْحُكْمُ الظَّاهِرُ حُكْمَ الْإِسْلَامِ وَ قَدْ أَبَاحَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهَا أَنْ تَتَزَوَّجَ. [↑](#footnote-ref-1)
2. استبصار، شیخ طوسی، ج6، ص213. ح 504: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ ذُبْيَانَ بْنِ حَكِيمٍ الْأَوْدِيِّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي رَجُلٍ قَالَ لآِخَرَ اخْطُبْ لِي فُلَانَةَ فَمَا فَعَلْتَ مِنْ شَيْ‏ءٍ مِمَّا قَالَتْ مِنْ صَدَاقٍ أَوْ ضَمِنْتَ مِنْ شَيْ‏ءٍ أَوْ شَرَطْتَ فَذَلِكَ رِضًا لِي وَ هُوَ لَازِمٌ لِي وَ لَمْ يُشْهِدْ عَلَى ذَلِكَ فَذَهَبَ فَخَطَبَ لَهُ وَ بَذَلَ عَنْهُ الصَّدَاقَ وَ غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا طَالَبُوهُ وَ سَأَلُوهُ فَلَمَّا رَجَعَ إِلَيْهِ أَنْكَرَ ذَلِكَ كُلَّهُ قَالَ يُغَرَّمُ لَهَا نِصْفَ الصَّدَاقِ عَنْهُ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ هُوَ الَّذِي ضَيَّعَ حَقَّهَا فَلَمَّا أَنْ لَمْ يُشْهِدْ لَهَا عَلَيْهِ بِذَلِكَ الَّذِي قَالَ لَهُ حَلَّ لَهَا أَنْ تَتَزَوَّجَ وَ لَا تَحِلُّ لِلْأَوَّلِ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا أَنْ يُطَلِّقَهَا لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ- فَإِمْساكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسانٍ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَإِنَّهُ مَأْثُومٌ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَانَ الْحُكْمُ الظَّاهِرُ حُكْمَ الْإِسْلَامِ قَدْ أَبَاحَ اللَّهُ تَعَالَى لَهَا أَنْ تَتَزَوَّجَ. [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره بقره، آيه 263. ﴿قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَ مَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُها أَذىً وَ اللَّهُ غَنِيٌّ حَليمٌ﴾ [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره طلاق، آيه 2. ﴿فَإِذا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ أَشْهِدُوا ذَوَيْ عَدْلٍ مِنْكُمْ وَ أَقيمُوا الشَّهادَةَ لِلَّهِ ذلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً﴾ [↑](#footnote-ref-4)
5. سوره نساء، آيه 19. ﴿يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّساءَ كَرْهاً وَ لا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ ما آتَيْتُمُوهُنَّ إِلاَّ أَنْ يَأْتينَ بِفاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَ عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسى‏ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فيهِ خَيْراً كَثيراً﴾ [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره بقره، آيه 228. ﴿وَ الْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلاثَةَ قُرُوءٍ وَ لا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ ما خَلَقَ اللَّهُ في‏ أَرْحامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَّ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ بُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ في‏ ذلِكَ إِنْ أَرادُوا إِصْلاحاً وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَ اللَّهُ عَزيزٌ حَكيمٌ﴾ [↑](#footnote-ref-6)
7. سوره بقره، آيه 229. ﴿الطَّلاقُ مَرَّتانِ فَإِمْساكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْريحٌ بِإِحْسانٍ وَ لا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئاً إِلاَّ أَنْ يَخافا أَلاَّ يُقيما حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلاَّ يُقيما حُدُودَ اللَّهِ فَلا جُناحَ عَلَيْهِما فيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلا تَعْتَدُوها وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [↑](#footnote-ref-7)
8. سوره بقره، آيه 231. ﴿وَ إِذا طَلَّقْتُمُ النِّساءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ لا تُمْسِكُوهُنَّ ضِراراً لِتَعْتَدُوا وَ مَنْ يَفْعَلْ ذلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَ لا تَتَّخِذُوا آياتِ اللَّهِ هُزُواً وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ ما أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتابِ وَ الْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْ‏ءٍ عَليمٌ﴾ [↑](#footnote-ref-8)
9. سوره بقره، آيه 232 تا 236. ﴿وَ إِذا طَلَّقْتُمُ النِّساءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْواجَهُنَّ إِذا تَراضَوْا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذلِكُمْ أَزْكى‏ لَكُمْ وَ أَطْهَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ✍ وَ الْوالِداتُ يُرْضِعْنَ أَوْلادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كامِلَيْنِ لِمَنْ أَرادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضاعَةَ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلاَّ وُسْعَها لا تُضَارَّ والِدَةٌ بِوَلَدِها وَ لا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَ عَلَى الْوارِثِ مِثْلُ ذلِكَ فَإِنْ أَرادا فِصالاً عَنْ تَراضٍ مِنْهُما وَ تَشاوُرٍ فَلا جُناحَ عَلَيْهِما وَ إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلادَكُمْ فَلا جُناحَ عَلَيْكُمْ إِذا سَلَّمْتُمْ ما آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِما تَعْمَلُونَ بَصيرٌ✍ وَ الَّذينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَ يَذَرُونَ أَزْواجاً يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً فَإِذا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلا جُناحَ عَلَيْكُمْ فيما فَعَلْنَ في‏ أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبيرٌ✍ وَ لا جُناحَ عَلَيْكُمْ فيما عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّساءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ في‏ أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَ لكِنْ لا تُواعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلاَّ أَنْ تَقُولُوا قَوْلاً مَعْرُوفاً وَ لا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتابُ أَجَلَهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ ما في‏ أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَليمٌ✍ لا جُناحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّساءَ ما لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَريضَةً وَ مَتِّعُوهُنَّ عَلَى الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَ عَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتاعاً بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنينَ﴾ [↑](#footnote-ref-9)
10. سوره بقره، آيه 240. ﴿وَ الَّذينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَ يَذَرُونَ أَزْواجاً وَصِيَّةً لِأَزْواجِهِمْ مَتاعاً إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْراجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلا جُناحَ عَلَيْكُمْ في‏ ما فَعَلْنَ في‏ أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَ اللَّهُ عَزيزٌ حَكيمٌ﴾ [↑](#footnote-ref-10)
11. سوره بقره، آيه 241. ﴿وَ لِلْمُطَلَّقاتِ مَتاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقينَ﴾ [↑](#footnote-ref-11)
12. جامع البیان فی تفسیر القرآن، محمد بن جریر طبری، ج28، ص88. و قوله: فَإِذا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ يقول تعالى ذكره: فإذا بلغ المطلقات اللواتي هن في عدة أجلهن و ذلك حين قرب انقضاء عددهن فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ الطلاق يقول: فأمسكوهن برجعة تراجعوهن، إن أردتم ذلك بِمَعْرُوفٍ يقول: بما أمرك الله به من الإمساك و ذلك بإعطائها الحقوق التي أوجبها الله عليه لها من النفقة و الكسوة و المسكن و حسن الصحبة، أو فارقوهن بمعروف، أو اتركوهن حتى تنقضي عددهن، فتبين منكم بمعروف، يعني بإيفائها ما لها من حق قبله من الصداق و المتعة على ما أوجب عليها لها. [↑](#footnote-ref-12)
13. جامع البیان فی تفسیر القرآن، محمد بن جریر طبری، ج5، ص177. القول في تأويل قوله تعالى: لا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْواهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذلِكَ ابْتِغاءَ يعني جل ثناؤه بقوله: لا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْواهُمْ لا خير في كثير من نجوى الناس جميعا. إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ و المعروف: هو كل ما أمر الله به أو ندب إليه من أعمال البر و الخير. [↑](#footnote-ref-13)
14. الجامع لاحکام القرآن، محمد بن احمد قرطبی، ج3، ص155. قوله تعالى: (فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ) الإمساك بالمعروف هو القيام بما يجب لها من حق على زوجها، و- لذلك قال جماعة من العلماء: إن من الإمساك بالمعروف أن الزوج إذا لم يجد ما ينفق على الزوجة أن يطلقها، فإن لم يفعل خرج عن حد المعروف، فيطلق عليه الحاكم من أجل الضرر اللاحق لها من بقائها عند من لا يقدر على نفقتها، و- الجوع لا صبر عليه، و- بهذا قال مالك و- الشافعي و- أحمد و- إسحاق و- أبو ثور و- أبو عبيد و- يحيى القطان و- عبد الرحمن ابن مهدى، و- قاله من الصحابة عمر و- على و- أبو هريرة، و- من التابعين سعيد بن المسيب و- قال: إن ذلك سنة. و- رواه أبو هريرة عن النبي صلى الله عليه و- سلم. و- قالت طائفة: لا يفرق بينهما، و- يلزمها الصبر عليه، و- تتعلق النفقة بذمته بحكم الحاكم، و- هذا قول عطاء و- الزهري، و إليه ذهب الكوفيون و- الثوري، و- احتجوا بقوله تعالى:" وَ إِنْ كانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلى‏ مَيْسَرَةٍ" و- قال:" وَ- أَنْكِحُوا الْأَيامى‏ مِنْكُمْ" الآية، فندب تعالى إلى إنكاح الفقير، فلا يجوز أن يكون الفقر سببا للفرقة، و- هو مندوب معه إلى النكاح. [↑](#footnote-ref-14)